

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

انترناسیونال شماره ۹۵۶

جمعه ۳۰ دی ۱۴۰۰ - ۲۱ ژانویه ۲۰۲۲

آکس فام: نابرابری میکشد

کاظم نیکخواه

آکسفام موسسه بین المللی امور خیریه، در گزارشی تازه از ابعاد تکان دهنده ای از افزایش شکاف طبقاتی در دوره کرونا پرده بر میدارد. عنوان این گزارش اینست "نابرابری میکشد". آکس فام بطور معمول گزارشات سالانه خود از وضعیت دنیا را در آستانه "کنفرانس داووس" که تجمع نمایندگان بزرگترین سرمایه داران جهان در شهر زیبا و کوهستانی داووس در دامنه های کوههای آلپ در سوئیس است، انتشار میدهد. اما دو سال است که کنفرانس داووس به دلیل کرونا به صورت آنلاین برگزار میشود. بازتاب کل گزارش اینجا ممکن نیست. فقط نکاتی را اشاره میکنم و خود گویای وضعیت تکان دهنده شکاف فزاینده طبقاتی و فقر و ثروت گسترده تر در جهان در دوره کرونا است.

در گزارش به وضعیت ویژه و وخیم مردم در کشورهای مثل ایران که تحت حکومت اسلامی نه فقط بخاطر فقر بلکه حتی به دلیل سیاستهای حکومت و قوانین اسلامی و فساد ذاتی و محدودیتهای سیاسی، از خریدن واکسن محروم میشوند و افزایش ثروتهای نجومی مافیای حاکم، پاسداران و آقا زاده های مفت خور از قبل کرونا اشاره ای نشده است، به اینکه جمهوری اسلامی با کرونا تعدا

زندانیان را میکشد و همین دو هفته پیش بکتابش آبتین نویسنده و شاعر آزادیخواه را به قتل رساند، اشاره نمیشود. اما اینها را مردم این کشور پیش از هرکسی میداند و از آن خبر دارند.

در گزارش آکسفام گفته میشود که طی یک سال ثروت ده نفر ثروتمندترین سرمایه داران دنیا معادل ۵۴ میلیارد دلار افزایش یافت. یعنی هر کدام بطور متوسط ۵۴ میلیارد دلار ثروت جدید کسب کردند. بزرگترین ثروتمندان جهان در عین حال ثروت هایشان طی این یک سال دو برابر شد. اما در همین زمان و تا همین امروز همچنان هر روز ۲۱۳۰۰ نفر از ویروس کرونا میمیرند و اینها عمدتاً فقیرترین مردم دنیا هستند که بسیاری به واکسن دسترسی ندارند. در همه کشورهای دنیا با کرونا ثروتمندان ثروتمندتر شدند و فقرا فقیرتر. گزارش میگوید این وضعیت اقتصادی را باید به عنوان "خشونت اقتصادی" نامگذاری کرد. چونکه این اقتصاد است که دارد انسانها را میکشد نه ویروس. گزارش میگوید "میلیونها نفر از مردم می توانستند زنده بمانند. اما این شانس از آنها گرفته شد. زیرا موسسات دارویی بزرگ تکنولوژی تولید واکسن را در انحصار خود نگه داشتند."

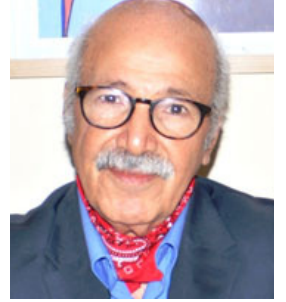
ادامه در صفحه ۲



اتریش - همایش اعتراضی در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران

شماره صفحه:	در این شماره انترناسیونال:
۲ و ۱	آکسفام: نابرابری می کشد. کاظم نیکخواه
۴ و ۳	ایران به کدام سو می رود؟ مصاحبه کانال جدید با حمید تقوایی
۶ و ۵	درباره اهمیت آموزش جنسی در مدارس. حسن صالحی
۸ و ۷	وقتی قدرت در دست ما باشد
۹	نامه اعتراضی به دولت نیکاراگوئه درباره حضور محسن رضایی قاتل در مراسم تحلیف دانیل اورتگا. بهرام سروش
۱۰	تاریخچه اول فوریه، روز جهانی نه به حجاب. انقلاب زنانه
۱۱	معلمان هشدار میدهند. شهلا دانشفر
۱۲ و ۱۳	از مدیای اجتماعی حزب
۱۴ تا ۱۸	اطلاعیه های حزب
۱۷	کمک های مالی رسیده به کمیته کردستان حزب

سرنگون باد جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی



کازم نیکخواه

”آکس فام میگوید نابرابری میکشد. اما نمی گوید که این سیستم حاکم سرمایه داری است که خالق دائمی نابرابری است. همیشه در تاریخ سرمایه داری مدافعان این نظام از سیستم مالیاتی به عنوان اهرمی که مانع گسترش شکاف میان و فقیر و غنی میشود برای پاسخ به مخالفین استفاده کرده اند. اما واقعیت درست عکس این است. حتی بار همان مالیاتها نیز اساسا بر روی دوش کارکنان و کارگران قرار میگیرد و نهایتا بخش عظیمی از آن در کشورهای مختلف به جیب میلیاردرها سرازیر میشود.“

گزارش میگوید “۲۵۲ نفر از سرمایه داران جهان به اندازه تمام یک میلیارد مرد و زن و دختر و پسر قاره آفریقا و آمریکای لاتین و منطقه کارائیب ثروت دارند و ۱۰ نفر از ثروتمندترین سرمایه داران جهان صاحب ثروتیایی بیش از ۳ و یک دهم میلیارد نفر از فقیرترین مردم جهان یعنی نصف جمعیت دنیا هستند” و در حالیکه در دوره پاندمی ثروتمندان به ثروت هایشان بسیار افزودند این فقرا هستند که متحمل درد و رنج و فقر بیشتر شدند. یکی از علل افزایش ثروت ثروتمندان این است که بودجه های کلانی که برای جلوگیری از رکود اقتصادی توسط بانکها به جامعه تزریق شد بخش عمده آن به جیب بالاترین قشر سرمایه داران سرازیر گردید.

در گزارش اشاره میشود که زنان و اقلیتهای نژادی و اقشار فقیر کشورهای جنوب یعنی آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین بیشترین لطامات و تلفات را از کرونا متحمل شده اند.

راه حل آکس فام راه حل نیست

آکس فام به نکات تکان دهنده زیادی از اوضاع عمیقا نابرابر و غیر منطقی و غیر انسانی در دنیا پرده بر میدارد و اشاره میکند که طی دوره کرونا یک قشر میلیاردر تازه ایجاد شده است. این گزارش بخودی خود یک کیفیخواست علیه کل سیستم سرمایه داری حاکم در دنیاست و تائیدی است بر آنچه که ما کمونیستها مدتهای مدیدی است به آن اشاره میکنیم

نمیگوید. میشود این حقیقت را عملی ندانست. میشود مثل مدافعان وضع موجود گفت که باید با همین اوضاع ساخت. اما نمیشود از منطق واقعی و سراسری که جلوی چشم هر انسانی قرار دارد طفره رفت یا آنرا انکار کرد. حتی گفتن حقیقت یک درجه به عملی شدن آن کمک میکند. نه آکسفام و تمامی جامعه شناسان و متفکرین مدافع سیستم و جامعه موجود، حاضر به وارد شدن به این سطح از قبول حقیقت نیستند. این را باید مردمی که قربانی این سیستم هستند به حکومتها و دولتها و طبقات حاکم و موسسات و نهادهای موجود تحمیل کنند. نابرابری میکشد و برای نجات زندگی باید ریشه این نابرابری که سرمایه داری است را خشکاند. و جامعه را بر پایه برابری و رفاه و منزلت انسانها پایه ریزی کرد. راه میانبری وجود ندارد.

از آن در کشورهای مختلف به جیب میلیاردرها سرازیر میشود. سرمایه داران نجومی راههای استفاده از روزنه های گریز از مالیات ها را به خوبی میدانند و استفاده کرده اند و میکنند. آمارها این را در کشورهای مختلف تائید میکنند.

سرمایه داری یک نظام نابرابر و غیر منطقی و غیر انسانی است. این سرمایه داری است که میکشد. این سرمایه داری است که نابرابری را بازتولید و تعمیق میکند. این سرمایه داری است که عامل کرونا و هزار مرض و درد دیگر، و جنگ و رنج اکثریت مردم است. راه حلی برای مردم محروم جز زیر و رو کردن این نظام وجود ندارد. جواب منطقی به راه مقابله با فاجعه فقر و ثروت، از بین بردن سیستم سرمایه داری است. این یک حقیقت عیان و آشکار است. سرتاپای گزارش آکسفام این را به خواننده یادآور میشود. اما آکس فام مستقیما این را

در دوره کرونا نشان میدهد، همچنان سرجای خود قرار دارد، این پول هم حتی اگر اراده و قدرت جمع اوریش وجود داشته باشد، مجددا از مسیر دیگری به جیب بزرگترین سرمایه داران سرازیر خواهد شد. شاید این بار با این پول چندین میلیاردر جدید دیگر در کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین متولد شوند.

آکس فام میگوید نابرابری میکشد. اما نمی گوید که این سیستم حاکم سرمایه داری است که خالق دائمی نابرابری است. همیشه در تاریخ سرمایه داری مدافعان این نظام از سیستم مالیاتی به عنوان اهرمی که مانع گسترش شکاف میان و فقیر و غنی میشود برای پاسخ به مخالفین استفاده کرده اند. اما واقعیت درست عکس این است. حتی بار همان مالیاتها نیز اساسا بر روی دوش کارکنان و کارگران قرار میگیرد و نهایتا بخش عظیمی

و بر آن تاکید داریم. این کرونا نیست که میکشد. این نابرابری است که میکشد. دره عمیق میان فقیر و غنی مدام عمیقتر میشود. اما راه حلی که آکس فام پیشنهاد میکند راه حل نیست. آکس فام میگوید برای حل معضل باید به ثروتهای اندوخته شده ده نفر ثروتمندترین سرمایه داران در دوره کرونا یک مالیات سنگین و یک بار برای همیشه بست که معادل ۸۱۲ میلیارد دلار پول بدست خواهد آمد. (نمیدانم این عدد دقیق را چگونه حساب کرده اند!) و این پول در خدمت حل معضل کرونا برای فقرا و مردم محروم صرف شود.

حتما چنین پول کلانی اگر درست صرف شود میتواند کمک شایانی به معضل واکسن و بسیاری معضلات دیگر مردم فقیر باشد. اما این راه حل نیست. وقتی تمام سیستمی که آکس فام گوشه کوچکی از کارکرد تکان دهنده و فاجعه بار آنرا

ایران به کدام سو میرود؟

این نوشته بر مبنای مصاحبه با کانال جدید تدوین شده است



خلیل کیوان: زیر پوست جامعه چه میگذرد؟ مطالبات مردم چه هست؟ تمایلات آنها چه سمت و سویی دارد؟ نظام سیاسی که مردم خواهان آن هستند چه مشخصاتی دارد؟

در چهل و سومین سالگرد انقلاب ۵۷ پرسشهایی از این دست و اظهار نظرهای مختلفی از طرف حکومتی ها، مردم و نیروهای مختلف اپوزیسیون شنیده میشود. نگاهی داشته باشیم به برخی از این اظهار نظرها و پرسش ها.

حمید تقوایی، اظهار نگرانی های مقامات حکومت درباره وضعیت بیشتر از همیشه خیرساز میشود. در تازه ترین اظهار نظرهای تقی رستم پور، رئیس سازمان امور اجتماعی کشور و معاون وزیر کشور، میگوید میل به ایجاد تغییرات اساسی در کشور در حال افزایش است و اضافه میکند که مردم بطرف حکومت غیردینی و سکولار روزبروز گرایش شان بیشتر میشود. از نظر شما اهمیت چنین اظهار نظرهایی در مجموع چه هست؟ آیا ایشان حرف تازه ای زده است؟

حمید تقوایی: اظهار نظر ایشان بنظر من گوشه کوچکی از یک واقعیت عظیم تری را در جامعه نشان میدهد. واقعیتی که چنان حکومتی ها را در مخمصه قرار داده و زیر فشار قرار داده که ناگزیر هستند به این شکل از میل مردم به تغییرات اساسی و روگردانی شان از حکومت مذهبی شکوه بکنند.

واقعیت این است که مردم نه تنها از حکومت مذهبی روی گردان شده و خواهان یک حکومت سکولار هستند بلکه فراتر از آن از مذهب متنفر شده اند. اگر اتفاقاتی که در همین چند ماه اخیر رخ داده را بازبینی بکنید، می بینید که دیگر مثلاً آخوندها جرات نمیکند با عبا و عمامه در ملاء عام ظاهر بشوند. این

اینکه جمهوری اسلامی وضع را بسیار بدتر کرده است به این معنا نیست که حالا زنان بین بد و بدتر، بد را انتخاب میکنند. جامعه دارد مشت به آسمان میکوبد، زنان خواهان یک زندگی برابر، مدرن و انسانی هستند در مقایسه حتی با پیشرفته ترین کشورهای اروپایی. زنان تمام آزادی، تمام حقوق خودشان را میخواهند و برای آن مبارزه میکنند، و نه وضعیتی که کمی بهتر باشد.

من فکر میکنم مبارزه ای که در ایران امروز مشاهده میکنیم و در جنبه های مختلفی به جلو میرود و یک رکن مهمش مبارزه زنان است، خواهان یک جامعه کاملاً آزاد و برابر و انسانی است که بر آخرین دستاوردهای علم و تمدن امروز بشر منطبق باشد و این به هیچ وجه نه تنها در حکومت فعلی بلکه در حکومتهای گذشته هم نمایندگی نمیشد. بنظر من مردم ایران قالب های حکومتی دیکتاتوری صدساله اخیر، از انقلاب مشروطه تا به امروز، را در هم خواهند شکست و جامعه ای کاملاً انسانی، برابر، آزاد و مرفه را پایه ریزی خواهند کرد. سیر تحولات به این سمت حرکت میکند.

خلیل کیوان: روشن است که دو جنبش و نیروی که در تحولات نقش مهم دارند دو موردی بود که اشاره کردید. قدرت جنبش ضد مذهبی و تمایلات سکولاریستی که حکومت هم به آن اذعان دارد و همینطور جنبش برابری طلبانه زنان. علاوه بر این دو مساله مطالبات دیگر جامعه چه هست آن تمایلات اساسی که نیروهای اجتماعی طلب میکنند و آینده را رقم میزنند، کدامها هستند؟

حمید تقوایی: بنظرم یک مساله اساسی نابرابری فاحشی است که در جامعه

در ورزشگاه را نداشته باشد و غیره و غیره. اینها نشان میدهد که جمهوری اسلامی پنجاه درصد جامعه را حتی انسان عادی حساب نمیکند. این بزرگترین و بنظرم در تاریخ معاصر هر کشوری، توهین آمیزترین، تحقیرآمیزترین و ضد انسانی ترین برخوردی است که به زنان یک جامعه میشود.

به همین دلیل هم هست که از روز اولی که این حکومت روی کار آمد اولین جنبش و اعتراض توده ای، جنبش زنان علیه حجاب اجباری یکماه بعد از به قدرت رسیدن خمینی بود. از آن زمان تا امروز مدام جنبش زنان وسیعتر و تعرضی تر شده است. مساله بی حقوقی زن مساله همه جامعه است. به همین دلیل است که جنبش برای آزادی زن ابعاد گسترده ای پیدا کرده است و امروز می بینیم که یک نیروی تعیین کننده در جنبش سرنگونی طلبانه جامعه زنان هستند.

این نظریه هم که زنان میخواهند به گذشته برگردند بنظر من پوچ است. اینطور نیست که در گذشته زنان با مردان برابر بودند. برخی از این همین قوانین ضد زن اسلامی قبلاً هم وجود داشت. در حکومت گذشته هم زن در بسیاری از عرصه ها برابر با مرد محسوب نمیشد و حتی تحقیر زنان جزئی از "فرمایشات ملوکانه" و فرهنگ شاهنشاهی بود.

از آنها وحشت دارد. در تازه ترین اظهار نظرها وزیر کشور میگوید که اگر انقلاب بخواهد ضربه ببیند از ناحیه زنان است. جایگاه جنبش زنان و مطالباتشان در تحولات آینده چه هست؟ آیا زنان وضعیتی را که امروز دارند در مقایسه با موقعیتی که در رژیم گذشته داشتند نگاه میکنند و مورد سنجش قرار میدهند؟

حمید تقوایی: بی شک زنان نیروی تعیین کننده ای در مبارزه علیه جمهوری اسلامی هستند. هم در تحولاتی که در ایران فی الحال در حال رخ دادن است و هم روند هائی که در آینده به جامعه شکل خواهند داد. دلیل اش هم روشن است. جمهوری اسلامی از همان روز اولی که به قدرت رسید نه تنها تبعیض و بی حقوقی فاحشی را در حق زنان اعمال کرد بلکه تحقیر و توهین نسبت به زنان یک امر همیشگی این حکومت بوده است. مساله از تبعیض فراتر است. حکومت زن را بعنوان انسان زیر سوال برده است. زن در ایدئولوژی جمهوری اسلامی و در قوانین اسلامی برده جنسی است. از تجاوز به دختران ۹ ساله که به اسم ازدواج شرعی انجام میشود بگیرد تا تلقی از زن بعنوان یک موجود صغیری که باید تحت قیمومت شوهر یا پدر و برادر، تحت اراده مردان خانواده، زندگی کند، اجازه سفر نداشته باشد، اجازه طلاق نداشته باشد، اجازه نه تنها ورزش بلکه حضور

را خودشان هم صریحاً بارها گفته اند. کلیپهایی در مدیای اجتماعی می بینید که زنی عمامه آخوندی را لگدمال میکند، مردم معترض نیروهای گشت ارشاد را فراری میدهند و یا هر چه نقل و نبات است با خشم نثار اسلام و مقدسات اسلامی میکنند و غیره.

اینها همه نشان دهنده یک برآمد ضد مذهبی تازه ای است، یک تعرض تازه است علیه نه فقط حکومت مذهبی بلکه علیه مذهب، علیه اسلام. جامعه به مرز انفجار رسیده و تنفر شدیدی را در همه بخشهای جامعه از قوانین مذهبی، مقدسات مذهبی، حکومت مذهبی و غیره می بیند. این واقعیت عظیم است که یک مقام حکومتی را ناگزیر کرده است که اعتراف کند مردم خواهان تغییرات اساسی هستند، از حکومت رویگردان شدند و دولت سکولار میخواهند. در عین حال با این بیانات میخواهند مساله را کوچک جلوه بدهند. خواست سکولاریسم هنوز فضای ضد مذهبی جامعه را منعکس نمیکند. مردم خواهان جمع شدن خرافات و مقدسات و قید و بندهای مذهبی و طاعون مذهب از همه ابعاد زندگی سیاسی و اجتماعی خودشان هستند. این واقعیتی است که در جامعه بروشنی قابل مشاهده است.

خلیل کیوان: زنان از جمله نیروهایی هستند حکومت

ادامه از صفحه ۳

” کسانی که گذشته را به مردم وعده میدهند، آینده ای ندارند. هیچ جامعه ای به گذشته بر نمی گردد. اعتراضات مردم، مبارزات مردم بخصوص در جامعه امروز ایران نشان میدهد که مردم میخواهند اتفاقا از این گذشته کاملاً بپزند، کاملاً قطع رابطه بکنند و یک آینده ای را میخواهند که همانطور که گفتم حتی جلوتر و پیشرفته تر از کشورهای فرض کنید اروپایی و غربی باشد. مردم آزادی هائی را میخواهند، مدنیتی را میخواهند، رفاهی را میخواهند که در گذشته ایران اثری از آنها نمی بینید. کلاً مردم با معیار هائی که معمولاً در مورد کشورهای جهان سوم یا آسیایی، آفریقایی بکار میرود به زندگی شان نگاه نمیکنند، آخرین دستاوردهای تمدن امروزی را میخواهند، آخرین دستاوردهای فرهنگی، علمی، هنری را میخواهند در جامعه پیاده کنند. “

ایران به خودش دیده است به همین دلیل دقیقاً جنبشی را در مقابل خودش بسیج کرده است که خواهان آزادترین، مرفه ترین و انسانی ترین معیارها و قوانین و مناسبات اجتماعی در ایران است و این چیزی جز سوسیالیسم نیست. این را نه تنها ما بلکه امروز دیگر حتی رهبر جنبش سلطنت طلبی هم دارد میگوید که آینده ایران سوسیالیستی خواهد بود. تنها سوسیالیسم میتواند از نظر اقتصادی، از نظر فرهنگی، از نظر سیاسی و اجتماعی برابری و آزادی کامل را متحقق کند و یک جامعه انسانی را در ایران برقرار کند. عنوان برنامه شما این است که ایران به کدام سو میرود؟ جواب خلاصه من این است: ایران بطرف سوسیالیسم میرود. این را امروز حتی اپوزیسیون راست هم دارد اعتراف میکند.

با تشکر از امیر توکلی برای پیاده کردن متن اولیه این مصاحبه.

۱۹ ژانویه ۲۰۲۲

دستاوردهای فرهنگی، علمی، هنری را میخواهند در جامعه پیاده کنند.

یک نکته دیگر که باید توجه داشت این است که مبارزات مردم امروز در آن چهارجوبی نیست که مقامات و یا نیروهای اپوزیسیون راست سعی میکنند در آن محدودش کنند. همانطور که اشاره کردم مردم به این حکومت بعنوان جنایتکار نگاه میکنند نه بعنوان یک حکومت مسئول جامعه که این و یا آن سیاست اش غلط است، و به این اعتبار هر نوع دیکتاتوری هر نوع حکومتی که اعدام را مثلاً در قوانین اش داشته باشد، که زندانی سیاسی داشته باشد، که شکنجه داشته باشد، که بخواهد به روی جامعه تازیانه بکشد، ذره ای اختناق و بی حقوقی را بخواهد به جامعه تحمیل کند - که گورستان آریامهری خود نمونه بارز چنین اختناقی بود- مردم آنرا تحمل نخواهند کرد. جمهوری اسلامی عقب مانده ترین، جانی ترین و ضدانسانی ترین حکومتی است که جامعه

شما می بینید و چرا این موضوع را برجسته میکنند و از نظر شما چه انتخاب هائی در مقابل مردم قرار دارد؟

حمید تقوائی: من همیشه گفته ام که کسانی که گذشته را به مردم وعده میدهند، آینده ای ندارند. هیچ جامعه ای به گذشته بر نمی گردد. اعتراضات مردم، مبارزات مردم بخصوص در جامعه امروز ایران نشان میدهد که مردم میخواهند اتفاقاً از این گذشته کاملاً بپزند، کاملاً قطع رابطه بکنند و یک آینده ای را میخواهند که همانطور که گفتم حتی جلوتر و پیشرفته تر از کشورهای فرض کنید اروپایی و غربی باشد. مردم آزادی هائی را میخواهند، مدنیتی را میخواهند، رفاهی را میخواهند که در گذشته ایران اثری از آنها نمی بینید. کلاً مردم با معیار هائی که معمولاً در مورد کشورهای جهان سوم یا آسیایی، آفریقایی بکار میرود به زندگی شان نگاه نمیکنند، آخرین دستاوردهای تمدن امروزی را میخواهند، آخرین

دستاوردهای فرهنگی، علمی، هنری را میخواهند در جامعه پیاده کنند. “

این را هم باید اضافه کنم که جامعه دیگر به حکومت بعنوان دولتی که مسئول اداره امور است و صرفاً سیاستهای غلط و ضد مردمی دارد نگاه نمیکند بلکه آنرا جلا و قاتل مردم میدانند. از همین روست که جنبش دادخواهی با خواست سرنگونی و محاکمه سران حکومت شکلی چنین گسترده و تعرضی به خود گرفته است. من بارها گفته ام که امروز، مشخصاً از خیزش ۹۶ به بعد، مردم و حکومت مانند دو دشمن آشتی ناپذیر در گیر جنگی برای بقا شده اند. جمهوری اسلامی با سیاست ”بکش و بمان“ برای بقای خود در قدرت میجنگد و مردم برای بقای زندگی. این شکل نهائی نبرد میان یک درصدیها و نود و نه درصدی ها در ایران است.

خلیل کیوان: آخرین پرسش را از شما دارم، میشنویم از سران و مقامهای حکومتی و حتی برخی از نیروهای اپوزیسیون راست که مردم به احیای گذشته تمایل دارند. آیا حقیقتی در این اظهار نظرها

بیداد میکند. نابرابری از نظر اقتصادی و همچنین از نظر سیاسی و اجتماعی بین اکثریت عظیم مردم و یک اقلیت مفتخور صاحب ثروت و قدرت. در یکسو صاحبان قدرت و صاحبان سرمایه و آیت الله های میلیاردی قرار دارند، اقلیتی که امروز یک درصدی ها نامیده میشوند، و در سوی دیگر توده مردم زحمتکشی که به زیر خط فقر رانده شده اند. شعار ”حقوق های نجومی، فلاکت عمومی“ صریحاً به این دره فاحش بین فقر و ثروت در جامعه اشاره دارد. بی حقوقی ها، قوانین ضدانسانی، شلاق مذهب علیه جامعه، فسادها و دزدی ها، زندان و اعدام و سرکوب و غیره، تمام اینها از ملزومات حفظ قدرت یک درصدیها علیه اکثریت عظیم مردم است. اقلیت ناچیزی ثروتهای میلیاردی دارد و توده عظیمی معیشت روزانه خودش را نمیتواند تامین کند. این بنظر آن شکاف اساسی است که زیر بنای تمام این اعتراضات را تشکیل میدهد. اگر ما می بینیم مثلاً زنان این

چنین به بی حقوقی رانده شده اند، یا حاشیه نشینی اینقدر گسترش پیدا کرده است، کارتن خوابی و بی سرپناهی در جامعه زیاد شده، اگر می بینید کولبران را اینطور به گلوله میندند، اگر می بینیم که به تظاهرات ها اینطور شلیک میکنند، اگر می بینیم که اعدام و شکنجه و زندان اینقدر گسترش پیدا کرده است و جنبش دادخواهی در نتیجه اینطور قدم بلند کرده است و سر برآورده، تمام این ها بر این مبنا است که میخواهند قدرت و ثروت و سلطه یک اقلیت مفت خور در برابر جامعه ای که در حال انفجار است حفظ بشود؛ در برابر جامعه ای که این وضعیت را نمی پذیرد و هر روز وسیع تر و تعرضی کل حکومت و نظام موجود را در عرصه های مختلف به چالش میکشد.

این اساس مساله است و تمام جنبش ها و اعتراضات را میتوان بر این مبنا بررسی کرد و پی برد که چه میگویند و چرا اعتراض میکنند و به کدام سمت میروند.

در باره اهمیت آموزش جنسی در مدارس



حسن صالحی

آموزش سکسوالیته و مسائل جنسی هیچگاه در نظام آموزشی ایران موضوع تدریس و فراگیری نبوده است و دانش آموزان حتی از آموختن اصول ابتدایی مسائل جنسی در مدارس محروم بوده اند، در حالی که در بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا، آموزش جنسی یکی از موضوعات مهم تدریس در مدارس است. طبقات حاکم در ایران اصولاً سخن گفتن از سکسوالیته در جامعه را جزو تابوها شمرده اند و این جوچه در زمان رژیم سلطنتی و چه در رژیم اسلامی به یکسان حاکم بوده است. در واقع می توان گفت که جامعه ایران به لطف حکومت هایش از یک ناآگاهی گسترده جنسی رنج می برد. این بی اطلاعی از مسائل و روابط جنسی به نتایج فاجعه باری در جامعه منجر شده است که اگر فکری اساسی به حال آن نشود به عواقب هولناک تری بویژه برای دختران و زنان می تواند بیانجامد.

هدف از این نوشته طبعاً پرداختن به همه جوانب این مسئله مهم اجتماعی نیست بلکه منظور این است که با پرتو انداختن بر جنبه هائی از این بحث، گفتمان آموزش مسائل جنسی در مدارس با جدیت بیشتری دنبال شود و با اشاعه آگاهی در این زمینه و بسیج افکار عمومی تحقق این پروژه مهم اجتماعی را تسهیل کند.

تابوی مسائل جنسی

با اینکه روابط جنسی با

پیدایش انسان و بسیار قبل از مذهب وجود داشته است ولی باید گفت که مذهب در تابو ساختن از مسائل جنسی بسیار نقش داشته است و تحقیقات بسیار ارزشمندی که در این خصوص صورت گرفته این واقعیت را آشکار می سازد. مذهب می خواهد بر مسائل مربوط به سکسوالیته و روابط جنسی انحصار داشته باشد. هدف از این انحصار هم این است که زنان را به برده جنسی مردان مبدل سازد. از این رو مذاهب در باره مسائل جنسی قوانین ویژه ای دارند. اسلام یکی از قانونمندترین مذاهب در زمینه مسائل جنسی است طوری که قسمت اعظم رساله های "مراجع تقلید" به سکس و روابط جنسی اختصاص دارد! آن اخلاق جنسی ای که اسلام اشاعه می دهد در خدمت فرودست نگهداشتن زنان و تضمین ارائه خدمات جنسی به مردان است. خلاصه کلامش این است که زنان باید مطیع و فرمانبردار مردان باشند و وظیفه خود، یعنی برآورده کردن نیازهای جنسی مردان، را به خوبی انجام دهند و به چیز دیگری هم فکر نکنند. راندن زنان از بازار کار و وابسته نگهداشتن آنان به مردان اساساً در خدمت همین امر است.

آموزش علمی سکسوالیته و روابط جنسی بر اساس احترام متقابل میان زن و مرد طبعاً منظر دیگری را در این زمینه به روی انسانها می گشاید که با آموزه های مذهبی از زمین تا آسمان فرق دارد. آموزش های علمی زمینه ای فراهم می کند که هر انسانی از سنین خردسالی با اندامهای جنسی خود و کارکرد های بیولوژیک آن ها آشنا گشته و به این ترتیب اختیار جسم و روان اش را به دست بگیرد. برای همین است که ادیان با آموزش جنسی در مدارس به شدت مخالفت می ورزند. این مخالفت عموماً به بهانه سست شدن ایمان و تقوا بر اثر وسوسه های جنسی بیان می شود ولی حقیقت امر چیز

دیگری است. آموزش مسائل جنسی در مدارس به انحصار و اقتدار دین و مذهب در این عرصه که تماماً مردانه و ضد زن و اساساً متوجه کنترل کردن روابط جنسی زن است خاتمه می دهد و از همین رو مذاهب با آن دشمنی می ورزند. این بخصوص در جایی مثل ایران که یک رژیم مذهبی و تماماً ضد زن و ضد ارزشهای مدرن و انسانی حاکم است باعث می شود که سرسختی و مخالفت با آموزش رابطه جنسی بیشتر باشد.

پیامدهای بی خبری جنسی

وقتی که جامعه از آموزش صحیح سکسوالیته و روابط جنسی محروم است طبعاً انسانها برای کسب اطلاعات و ارضای ذهن کنجکاو خود به منابع دیگری رجوع می کنند که در بیشتر موارد منابع موثقی نیستند، مانند تماشا کردن فیلم های پورنو یا صحبت کردن با کسانی که تجربه جنسی بیشتری دارند. البته آنهم به صورت مخفیانه و درگوشی زیرا فکر کردن و صحبت کردن در مورد این نیازهای انسانی قدغن است و حتی گناه و نشانه بی بند و باری جنسی محسوب می شود. در بهترین حالت انسان ها از طریق آزمون و خطا تجربیاتی در این زمینه کسب می کنند. این شرایط بی خبری از مسائل جنسی و یا رجوع به منابع غیرموقت پیامدهائی برای جامعه دارد که می تواند فاجعه بار باشد و من اینجا به برخی از این پیامدها اشاره می کنم.

ناآگاهی جنسی به روابط صحیح و مبتنی بر احترام متقابل در زندگی مشترک به شدت لطمه می زند و بطور ناخواسته منجر به جدایی ها و متلاشی شدن روابط انسانی می شود. روابط جنسی بخش مهمی از زندگی مشترک است و عدم تفاهم جنسی که بر پایه ناآگاهی به وجود می آید می تواند عامل بسیاری از جدایی ها و باعث آسیب های جسمی و روحی و روانی درازمدت

شود. هم مخالفتی نداشتند و به نظر می رسید در و تخته خوب با هم جفت شده اند، اما همان شب اول ازدواج، کار ما به جدایی تلخی رسید که دلیلش را نیز به کسی نگفتیم. من آن شب متوجه شدم که همسرم باکره نیست و این با توجه به مذهبی بودنم، ضربه ای بسیار سخت بود و از نظر روحی، ادامه زندگی مشترک برایم قابل تحمل نبود. سال ها بعد فهمیدم که پرده بکارت شکل های متفاوتی دارد و همسر اولم لزوماً رابطه جنسی پیش از ازدواج نداشته است." (برگرفته از گفتاری از دویچه وله با عنوان "آموزش جنسی در مدارس ایران یک تابوی قدیمی")

عدم آگاهی کودکان در زمینه مسائل جنسی باعث گسترش سوء استفاده جنسی از آنها نیز می شود، چیزی که متأسفانه در جامعه ایران بسیار متداول است (نمونه قاری قرآن خامنه ای). بدیهی است که در صورت نبود آموزش های جنسی لازم در مدارس، کودکان در برابر آزاردهندگان جنسی قدرت دفاع از خود را از دست می دهند. هر اندازه که کودکان حریم خصوصی بدن خود را بشناسند و بدانند که یکسری رفتارها از سوی بزرگسالان و حتی نزدیکان با آنها مجاز نیست، به همان اندازه نیز امکان سوء استفاده جنسی از کودکان کمتر می شود.

آموزش مسائل جنسی در مدارس در برگیرنده روش های سکس سالم و ایمن و تضمین بهداشت جنسی و پیشگیری از حاملگی ناخواسته است. در نبود این آموزشها شیوع بیماریهای جنسی نظیر ایدز و هپاتیت تسهیل می شود و جوانان ممکن است خود را در معرض سکس ناسالم قرار دهند و یا ناخواسته باردار شوند. چند مورد را مثال بیاوریم:

"محمد که امروز میانسالی را تجربه می کند، فردی بسیار مذهبی است. او با لبخند تلخی می گوید: "عاشق همسر اولم بودم. رابطه ما وقتی شکل گرفت که من ۲۲ سال و او ۱۸ سال داشت. همه چیز برای یک ازدواج عاشقانه و شروع زندگی مهیا بود. خانواده ها

ادامه از صفحه ۵

آشپزخانه دیگر تنها نباشم.

ما چه می گوئیم؟

در برنامه حزب کمونیست کارگری ایران تحت عنوان "یک دنیای بهتر" آموزش جنسی در مدارس منظور شده است. ما در بخش روابط جنسی این برنامه چنین آورده ایم:

"همه مردم و بویژه جوانان و نوجوانان باید زیر پوشش آموزش جنسی، آموزش های کم خطر جلوگیری از حاملگی، و آموزش روش های تضمین ایمنی رابطه جنسی قرار داشته باشند. آموزش جنسی باید جزو دروس اجباری دبیرستان ها قرار بگیرد. دولت موظف است با تبلیغات، ایجاد کلینیک ها و هیات های آموزشی سیار، کمپین ها و برنامه های رادیویی و تلویزیونی ویژه، و هر روش موثر دیگر، آگاهی علمی مردم به جنبه های مختلف رابطه جنسی و حقوق قانونی فرد در روابط جنسی را به سرعت و به وسیع ترین شکل گسترش دهد.

وسائل جلوگیری از حاملگی و بیماری های مقاربتی باید به رایگان و به سهولت در دسترس همه افراد بزرگسال قرار داشته باشد."

پر واضح است که مطالبه ای که ما حدود سی سال پیش در این زمینه در برنامه خود گنجانده ایم باید مطابق با تازه ترین دستاوردهای علمی بشر به روز و در جزئیات بیشتری دقیق شود. اکنون در بسیاری از کشورهای پیشرفته دنیا آموزشهای متفاوتی متناسب با سن کودک ارائه می دهند. مثلاً در سنین دبستان کودکان با بدن خود و اعضای بدن و اسامی آنها آشنا می شوند. در همین سنین (پنج و یا شش سالگی) کودکان نحوه های مختلف تماس فیزیکی مثل بوسیدن و یا بغل کردن را یاد می گیرند و به آنها آموزش داده می شود که چه کسانی مجاز به برقراری چنین تماسهایی هستند و در صورت بروز رفتاری غیرمجاز از سوی

"همه مردم و بویژه جوانان و نوجوانان باید زیر پوشش آموزش جنسی، آموزش روش های کم خطر جلوگیری از حاملگی، و آموزش روش های تضمین ایمنی رابطه جنسی قرار داشته باشند. آموزش جنسی باید جزو دروس اجباری دبیرستان ها قرار بگیرد. دولت موظف است با تبلیغات، ایجاد کلینیک ها و هیات های آموزشی سیار، کمپین ها و برنامه های رادیویی و تلویزیونی ویژه، و هر روش موثر دیگر، آگاهی علمی مردم به جنبه های مختلف رابطه جنسی و حقوق قانونی فرد در روابط جنسی را به سرعت و به وسیع ترین شکل گسترش دهد. وسائل جلوگیری از حاملگی و بیماری های مقاربتی باید به رایگان و به سهولت در دسترس همه افراد بزرگسال قرار داشته باشد."

(یک دنیای بهتر - برنامه حزب کمونیست کارگری)

آموزش از جامعه، همچنانکه شرح آن رفت، موجب بروز مسایل ناگواری خواهد شد که زندگی انسانها را تا مدتها تحت تاثیر قرار خواهد داد.

در فردای پیروزی بر حکومت اسلامی به نیروی مردم، ما برای برقراری یک نظام انسانی بدور از همه قیود ارتجاعی مذهبی و دخالت دین، و برای برپایی یک جامعه آزاد و برابر که هیچگونه نشانه ای از تبعیض میان زن و مرد در آن وجود نداشته باشد و برای ایجاد یک نظام آموزشی مدرن و عاری از دخالت مذهب خواهیم کوشید. ما شرایط رشد و تعالی کودکان و نوجوانان و جوانان را طوری فراهم خواهیم آورد که سنین بلوغ را با شادی و سبکباری سپری کنند، احساس شرم را به دور بیندازند و به رابطه زن و مرد در همه زمینه ها (و از جمله رابطه عاطفی و جنسی) به دیده انسانی بنگرند. حزب کمونیست کارگری پرچمدار این تغییر و تحول اساسی در جامعه ایران است.

همچنانکه تجربیات کشورهای پیشرفته و مدرن نشان می دهد آموزش سکسوالیته و مسایل جنسی در مدارس اعتماد به نفس کودکان و نوجوانان و جوانان را افزایش می دهد، آنها را با بدن و نیازهای طبیعی خود آشنا می کند، به آنها کمک می کند که به رابطه جنسی و عاطفی با نگاهی انسانی و برابر بنگرند و در همان حال رعایت بهداشت و سلامتی آنها در رابطه جنسی را تضمین می کند.

چالشی مهم

آیا ما می توانیم آموزش سکسوالیته و مسایل جنسی را در مدارس ایران برقرار کنیم؟ البته تا زمانی که حکومت اسلامی در ایران حاکم است این امر محال به نظر می آید. ولی ما موظف هستیم که گفتمان در این زمینه را دامن بزیم و برای اجرایی کردن آن نیروی سیاسی لازم را بسیج کنیم. جامعه بایستی بر خورداری از آموزش مسایل جنسی را حق همه نوجوانان و جوانان کشور بشمارد. دریغ کردن این

های آموزشی مسئولیت انجام آن را بر عهده دارند راهنمایی والدین است که چطور در این زمینه با فرزندان خود حرف بزنند تا آن ها احساس شرم نکنند. در همان گزارش فوق از دویچه وله نقل شده است که پاتریسیا، معلم مدرسه ای در پاریس، می گوید که پسر نه ساله اش آگاهی نسبتاً خوبی در مورد بدن خودش، اندام های جنسی، کارکرد کاندوم و روش تولید مثل دارد و تمام این مسائل در دوره دبستان به آنها آموزش داده شده است. او و شوهرش نیز نقش مکمل را در کنار آموزش های جنسی مدرسه برای فرزندشان ایفا کرده اند.

در کشورهای غربی آموزش مسائل جنسی موضوعی است که متناسب با نیازهای موجود در جامعه به روز می شود و دائماً در حال تکامل است. مثلاً در سوئد از ابتدای سال نو برنامه درسی جدیدی به مورد اجرا گذاشته شده تا هم کیفیت آموزش جنسی ارتقا یابد و هم محتوای آن یکدست شود.

بزرگسالان چگونه این رفتار را گزارش دهند. یعنی از همان سنین کودکی به کودک یاد می دهند که چگونه از خود در مقابل آزارگران جنسی دفاع کند.

سپس در سنین بالاتر (هفت و هشت سالگی) مسئله زاد و ولد در حیوانات و انسان و تغییرات فیزیکی بدن را با زبانی ساده و متناسب با سن کودکان یاد می دهند. در رده های سنی بالاتر (مثلاً ده سالگی) مسائل مربوط به بلوغ جنسی و اتفاقاتی که در بدن می افتد تدریس می شود و در کلاس ششم دایره آموزش ها به رفتار جنسی، دخول، خودارضایی و مسائلی از این دست گسترش می یابد. در کلاس هفتم یعنی در سن سیزده، چهارده سالگی چگونگی رابطه جنسی ایمن، استفاده از وسایل جلوگیری، رفتار جنسی مسئولانه، بیماری های مقاربتی و مسئولیت مراقبت بهداشتی از خود و طرف مقابل آموزش داده می شود.

مکمل این برنامه ها که نهاد

وقتی قدرت دست ما باشد

با سرنگونی جمهوری اسلامی:

۱ - پایان هر نوع حکومت مذهبی را برای همیشه اعلام میکنیم. دست مذهب را از زندگی مردم، از دولت، آموزش و پرورش و از سیستم قضائی کوتاه میکنیم. مذهب رسمی را لغو و مذهب و بی مذهبی را امر شخصی مردم اعلام میکنیم و به هر نوع دخالت دولت و مراجع مذهبی در اعتقادات شخصی و زندگی خصوصی مردم پایان میدهیم. حکومت بعدی حکومتی سکولار، آزاد و برابر خواهد بود.

۲ - کلیه کمک های مستقیم و غیر مستقیم دولتی به مساجد، امامزاده ها، آیت الله ها و کلیه مراجع مفتخور مذهبی را فوراً قطع میکنیم و تمام اموال عمومی غصب شده توسط آنها را مصادره و صرف نیازهای مردم می کنیم.

۳ - همه قوانین ضد زن اسلامی از جمله حجاب و پوشش اجباری و هر نوع جداسازی جنسیتی را فوراً ملغی میکنیم و برابری زن و مرد را در تمام زمینه ها بلافاصله اعلام میکنیم.

۴ - قانون اساسی، قانون کار، قوانین قصاص و مجازات اسلامی و سایر قوانین ارتجاعی این حکومت را فوراً ملغی میکنیم.

۵ - اعدام را فوراً لغو میکنیم. به سنگسار و شلاق و شکنجه و تعزیرات اسلامی و هر نوع مجازات مبنی بر تعرض جسمی و تحقیر و ارباب و اعمال فشار فکری و روانی بر افراد بازداشتی برای همیشه پایان می دهیم.

۶ - زندانیان سیاسی و عقیدتی و صدها هزار بیگانه دیگر از زندان ها آزاد میشوند و بازداشت افراد بدلائل سیاسی و عقیدتی ممنوع میشود.

۷ - آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده و آزادی نقد مذهب و آزادی بی قید و شرط تحزب و تشکل و اعتصاب، اجتماعات، مطبوعات و تظاهرات فوراً برقرار میشود. مردم بدون هیچ نگرانی عقایدشان را بیان میکنند، کتاب و روزنامه خود را منتشر می کنند، در هر حزبی بخواهند عضو میشوند و هر حزب و سازمانی خواستند ایجاد میکنند.

۸ - کلیه مردم ساکن کشور مستقل از ملیت و نژاد و مذهب و تابعیت، از حقوق شهروندی برابر برخوردار میشوند. ستم و تبعیض بر اساس ملیت و قومیت و محل تولد ممنوع میشود و اقدامات لازم در جهت رفع تبعیض و برابری کامل شهروندان انجام میشود. زبان رسمی اجباری ممنوع میشود و مردم میتوانند به زبان مادری خود تحصیل و تکلم کنند و رسانه های خود را منتشر کنند.

۹ - کلیه نیروهای سرکوب، رسمی و لباس شخصی، سپاه و بسیج، نیروی انتظامی و ارتش و وزارت اطلاعات و سایر نهادهائی که اجزاء ماشین جنایت و آدمکشی جمهوری اسلامی بوده اند را منحل میکنیم. مجرمین به دادگاه سپرده میشوند و سایر اعضای این ارگانها امکان یک زندگی شرافتمندانه پیدا خواهند کرد.

۱۰ - کلیه سران حکومت به جرم جنایات بیشماری علیه مردم، به جرم شکنجه و اعدام و سنگسار و ترور و تحمیل بیحقوقی و فقر و محرومیت به اکثریت مردم و به جرم دزدی و فساد، در دادگاه های

علنی مورد محاکمه قرار میگیرند.

۱۱ - تاسیسات اتمی را برمیچینیم و سلاح های کشتار جمعی را نابود میکنیم. رابطه با دنیای غرب را گسترش میدهیم، از علم و فرهنگ و تمدن مترقی و انسانی استقبال میکنیم، و همراه با مردم انساندوست جهان، از ارزشهای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی پیشرو و مطالبات حق طلبانه مردم در مقابل دولت ها و جنبش های ارتجاعی دفاع میکنیم.

۱۲ - برای جلوگیری از نابودی منابع طبیعی، تخریب محیط زیست و آلودگی آب و هوا که به حد فاجعه باری رسیده است، و بمنظور ایجاد یک محیط زیست امن و پاک، بیشترین امکانات و منابع مالی و تخصصی را به کار می گیریم.

۱۳ - طب و تحصیل و مترو و اتوبوسرانی شهری برای عموم مردم رایگان میشود.

۱۴ - استثمار را ممنوع میکنیم و دست بنگاه های سرمایه داری، مراجع مذهبی و فرماندهان و آفازاده ها، مافیای اقتصادی و سایر مفتخوران را از زندگی مردم کوتاه میکنیم. وسائل تولید، کارخانه ها، زمینها، شرکت ها و بانکها به دارائی جمعی کل جامعه تبدیل میشود. روند پایان دادن به بردگی مزدی و تقسیم طبقاتی جامعه آغاز میشود، تولید بر اساس نیازمندیهای جامعه سازمان مییابد، مردم صاحب اختیار کار و نعمات ناشی از کار خود خواهند شد و جامعه ای مبتنی بر برابری رفاه همگانی و عدالت اقتصادی پایه گذاری میشود.

۱۵ - بودجه های هنگفت فعلی که صرف دزدی و سرکوب و ترور و صرف گله مفتخوران و موسسات مذهبی میشود، صرف ایجاد کار و امکانات رفاهی، صرف ایجاد بیمارستان و مهد کودک و مدرسه و دانشگاه، تاتر و سینما و کتابخانه و کلوپ های هنری و ورزشی، صرف خدمات اجتماعی، بویژه برای کودکان و سالمندان و معلولان، صرف کمک به رفع اعتیاد معتادان و کمک به تن فروشان برای شکل دادن به یک زندگی انسانی و صرف طب و تحصیل و مسکن و محیط زیست و سایر نیازهای اساسی مردم خواهد شد.

۱۶ - شوراهاى مردم در سراسر کشور ایجاد میشوند و توده مردم متشکل در شوراها اداره امور مملکت را در دست میگیرند. برای اولین بار کلیه ساکنین کشور، در اداره امور مستقیماً دخیل میشوند، آزادانه تصمیم میگیرند و تصمیمات خود را به اجرا درمیآورند. این مهمترین ضامن تحقق یک جامعه انسانی بدور از بیحقوقی و تبعیض و نابرابری است. شوراها به معنی واقعی ضامن تحقق هر نوع آزادی خواهند بود. توده های وسیع مردم برای اولین بار حرمت پیدا خواهند کرد و با شور و انرژی بی پایان، اقتصاد و سیاست و مناسبات اجتماعی و فرهنگی را بسرعت شکوفا خواهند کرد.

اینها سرفصلهای یک جامعه انسانی است که میلیون ها نفر از کارگران و مردم شریف و تشنه آزادی خود را در این اهداف شریک میدانند. حزب کمونیست کارگری با سازماندهی حکومت شوراها، این مفاد را بعنوان اولین اقدامات دولت آتی بلافاصله اعلام خواهد کرد و با اجرای تمامیت برنامه «یک دنیای بهتر»، جامعه ای آزاد و مرفه و بری از هر نوع تبعیض و نابرابری بنیاد خواهد گذاشت.

حزب کمونیست کارگری ایران

توجه: این بیانیه ۷ سال پیش در تاریخ ۱۲ خرداد ۱۳۹۳ برابر با ۲۲ مه ۲۰۱۴ توسط حزب منتشر شد.

سران جمهوری اسلامی باید بجرم جنایت علیه بشریت دستگیر و محاکمه شوند

نامه اعتراضی به دولت نیکاراگوئه درباره حضور محسن رضایی قاتل در مراسم تحلیف دانیل اورتگا

به آقای دنیس مونکادا
وزیر امور خارجه دولت نیکاراگوئه

جناب آقای مونکادا

این نامه را برای ابراز شدیدترین اعتراض خود نسبت به حضور محسن رضایی، فرمانده کل سابق سپاه پاسداران و در حال حاضر معاون اقتصادی رئیس جمهور در حکومت اسلامی، در مراسم تحلیف آقای اورتگا که این هفته صورت گرفت می نویسیم. این اقدام، دهن کجی به خانواده های قربانیان این فرد آدمکش، مردم ایران و مردم آرژانتین است.

بیشک آگاه هستید که محسن رضایی از طرف سازمان بین المللی پلیس جنائی، اینترپل، در ارتباط با بمب گذاری تروریستی در مرکز همیاری یهودیان، "آمیآ"، در بوئنوس آیرس در سال ۱۹۹۴ که ۸۵ کشته و صدها زخمی بجای گذاشت تحت پیگرد است. همچنین قطعاً مطلع هستید که رضایی به مدت ۱۶ سال فرماندهی کل سپاه و دو سال ریاست واحد اطلاعات سپاه را از بدو استقرار جمهوری اسلامی تا اواخر دهه نود میلادی به عهده داشت. طی آن سالها، دهها هزار مخالف سیاسی و مردم معترض، شامل کودکان، دستگیر، شکنجه و اعدام و در گورهای جمعی دفن شده یا به اشکال دیگری ناپدید شدند. سپاه جمهوری اسلامی نقشی اساسی در این کشتارها و جنایات هولناک داشت.

دعوت دولت شما از این فرد قاتل به نیکاراگوئه و نزدیکی تان با حکومت جنایتکار اسلامی، از طرف مردم ایران نه فراموش خواهد شد و نه بخشیده خواهد شد. در شرایطی که جهان هر چه بیشتر می رود که آن حکومت و سران قاتل آن را از نظر سیاسی منزوی کند و عوامل آن را بجرم جنایت علیه بشریت به دادگاه بکشاند (مانند پرونده حمید نوری در ارتباط با کشتارهای تابستان ۶۷ که در حال حاضر در سوئد در جریان است)، شرم آور است که دولت شما انتخاب کرده است که خود را با این حکومت همسو کند.

رضایی و همه سران جنایتکار جمهوری اسلامی بجای دعوت به مراسم بین المللی، هر جا خارج از ایران که پایشان را بگذارند باید بجرم جنایت علیه بشریت دستگیر و به دادگاه سپرده شوند. این خواست مردم ایران، کارگران، زنان و جوانان و خواست خانواده های داغدار و دادخواهی است که عزیزانشان ظالمانه از آنان گرفته شدند. تمام آن دولت ها و سیاستمدارانی که بر این جنایات چشم پوشیده و خود را در کنار این حکومت قرار می دهند بدون تردید بهای سیاسی سنگینی برای اعمال شرم آور خود خواهند پرداخت.

با احترام

بهرام سروش

مسئول دفتر بین المللی حزب کمونیست کارگری ایران

۱۴ ژانویه ۲۰۲۲

* ترجمه از متن اصلی نامه به انگلیسی

[/https://wpiran.org/english](https://wpiran.org/english)

international.office@wpiran.org

ماهواره یاه ست

فرکانس: ۱۱۷۶۶

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۷/۸

ماهواره یوتلست

فرکانس: ۱۱۳۸۷

پولاریزاسیون: عمودی

سیمبل ریت: ۲۷۵۰۰

اف ای سی: ۵/۶

KANAL جدید
کانال جدید

پخش زنده آنلاین:



newchannel.tv/live/tv

فرکانس های

تلویزیون کانال جدید

در ماهواره های:

www.newchannel.tv
nctv.tamas@gmail.com

تاریخچه اول فوریه روز جهانی نه به حجاب



اول فوریه روز جهانی نه به حجاب چگونه شکل گرفت؟!

اسلامی، مساجد و پایگاههای اسلامی تجمع کرده و حجاب ها را بسوزانید و تصاویر آن را منتشر کنید.

یک موج عظیم اجتماعی علیه حجاب در تقویت مبارزه زنان علیه حجاب و قوانین اسلامی و در تقویت جنبش سرنگونی جمهوری اسلامی قطعاً تأثیر بسزایی خواهد داشت.

انقلاب زنانه
۱۹ ژانویه ۲۰۲۲

در داخل ایران، در محله ها، سطح شهرها، دانشگاهها، در مراسم و پارکها و مترو بصورت جمعی و فردی حجاب از سر بردارید و به این سمبل تحقیر و بردگی زن اعتراض کنید و عکس و فیلم های خود را با رعایت مسائل امنیتی در شبکه های اجتماعی منتشر کنید.

در خارج از کشور در مقابل سفارتخانه های جمهوری

جمهوری اسلامی در ایران، اردوغان در ترکیه، طالبان در افغانستان، برکوحرام در نیجریه و غیره، اول با ابزار حجاب و کشیدن آن روی سر زنان، به نمبی از جامعه، به مدرنیسم، به مدنیت و دستاوردهای بشری، حمله کرده و بردگی زن را قانونی و اجرایی و تقویت نموده، به آن رسمیت بخشیده و در پی آن جامعه را سرکوب کرده است. لذا مبارزه با حجاب اجباری مبارزه علیه حکومتها و دولت‌های اسلامی و مبارزه علیه جنبش اسلامی سیاسی است.

انقلاب زنانه به همه شما زنان و انسانهای مبارز که خواهان رهایی زن از شر قوانین اسلامی هستید فراخوان میدهد:

در شبکه های اجتماعی اعتراض خود به حجاب اجباری را اعلام و در روز اول فوریه با هشتگ #نه_به_حجاب و #NoHijabDay علیه حجاب و قوانین اسلامی و جریان‌ات اسلامی بنویسید!

لباسهای رنگی در خیابانها حضور پیدا کردند که واکنشهای اعتراضی زیادی از طرف اسلامگرایان به همراه داشت.

همچنین فعالان شناخته شده اهل خاورمیانه همچون یاسمین محمد، اقدام به آتش زدن حجاب کردند و بدین شکل اعتراض خود را به اسلامگرایان که حجاب این سند بردگی زن را تبلیغ میکنند نشان دادند.

همزمان کمپینی از طرف زنان خاورمیانه به راه افتاد که عکس بدون حجاب خود را در کنار عکسی از خود زمانی که حجاب داشتند در شبکه های اجتماعی منتشر نموده و با هشتگ #FreeFromHijab اعلام کردند که بدون حجاب رها و آزادند.

لازم به تأکید است که مبارزه بیش از چهاردهه زنان ایران علیه حجاب و قوانین اسلامی تأثیر بسیاری زیادی در شکل گیری جنبش جهانی علیه حجاب اجباری داشته است. جنبش نوین رهایی زن در ایران به عنوان اولین جنبش سیاسی و مبارزاتی علیه حکومت اسلامی، علیه اسلام سیاسی و حتی علیه اسلام به عنوان یک ایدئولوژی زن ستیز، پرچم انقلاب زنانه را مقابل فرمان خمینی به حجاب اجباری بالا برد. مبارزه علیه حجاب اجباری از ایران و از روز جهانی زن، هشتم مارس سال ۱۹۷۸، ۱۷ اسفند ۱۳۵۷ علیه حکم خمینی آغاز شد. چهل سال جدال روزانه علیه حجاب اجباری، تأثیر بسیار زیادی در شکست سیاست های زن ستیزانه جمهوری اسلامی و اسلامیزه کردن جامعه تا به حال داشته است.

انقلاب زنانه به عنوان یک جریان پیشرو، سکولار، انقلابی و ضدین از ابتدای شروع به کار خود، حجاب را به عنوان پرچم جنبش اسلام سیاسی معرفی کرده و اعلام نموده هر جا یک نماینده از اسلام سیاسی مستقر شده، همچون

هر سال با نزدیک شدن به اول فوریه روز جهانی نه به حجاب، اعتراضات زنان پیشرو خاورمیانه در شبکه های اجتماعی اوج گرفته و مبارزه عینی علیه حجاب بیش از پیش به چشم میخورد. در سالهای اخیر، زنان و فعالان حقوق زن از ایران نیز با نزدیک شدن به اول فوریه، به اشکال مختلف اعتراض خود را به حجاب که پرچم اسلام سیاسی و ابزار سرکوب زن است، نشان میدهند.

سال ۲۰۱۵، زنان و فعالین پیشرو، رادیکال و سکولار جهان به ویژه از خاورمیانه، اول فوریه را "روز جهانی نه به حجاب" نامگذاری کردند.

دلیل نامگذاری این روز به این برمیگردد که یک زن اسلامگرا که از یازده سالگی در آمریکا زندگی کرده، هر سال از زنان غیر مسلمان دعوت میکند یک روز در سال را که مصادف است با اول فوریه، با پوشیدن حجاب گذرانده و تجربه خود از حجاب را بیان کنند. در پی آن، اول فوریه "روز جهانی حجاب" نامگذاری شد تا با هشتگ #FreeHijab زنان با اعلام "در حجاب آزادم" از حجاب دفاع کنند که از سال ۲۰۱۳ در شبکه های اجتماعی منعکس شد.

اما در مقابل این اقدامی که در راستای منافع و اهداف زن ستیزانه جنبش اسلام سیاسی در سطح جهان رخ داده، کمپین "نه به روز حجاب" توسط زنان و فعالین پیشرو، رادیکال و سکولار در سطح جهان برآه افتاده است.

سال ۲۰۱۵ فراخوان "نه به روز حجاب" با هشتگ #NoHijabDay برای مقابله با روز جهانی حجاب و علیه "در حجاب آزادم" با کمپینی وسیع در سطح جهان راه اندازی شد.

در همین راستا اول فوریه ۲۰۱۸، زنان پایتخت عربستان سعودی عباهاي سیاه و بلند خود را کنار گذاشتند و با

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهاب بهرامی

ادیتور: کاظم نیکخواه

مسئول فنی: رضا مرادی

anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته جمعه ها منتشر می شود.

معلمان هشدار میدهند



خواست معلمان اجرای کامل رتبه‌بندی مشاغل از بدو استخدام بر مبنای حداقل ۸۰ درصد حقوق اعضای هیات علمی و تعیین بودجه آن برای سال ۱۴۰۱ و افزایش حقوقها به بالای خط فقر و داشتن زندگی ای انسانی است. شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان در بیانیه ای با تاکید بر اینکه هیچ بهانه ای اعم از تحریم، به خطر افتادن امنیت ملی، زمینه برای سو استفاده ی بیگانگان و معاندان و بهانه هایی از این دست قابل پذیرش نیست و دست غارتگران و متجاوزان به حقوق مردم برای آحاد جامعه رو شده است، هشدار داده که در صورت عدم پاسخگویی به خواستشان با موج گسترده تری از اعتراضات آنان مواجه خواهند شد.

۲۰ ژانویه ۲۰۲۲

تاکید کرده اند در جمهوری اسلامی بودجه برای همه چیز هست جز برای مردم. مشتی نجومی بگیر و چپاولگر تحت عنوان "عدالت" این طرح را که بهبودی اندک در حقوق معلمان ایجاد میکند رد کرده اند.

معلمان میگویند که هدف مجلس اسلامی، شورای نگهبان ودولت، وقت کشی و موکول کردن اجرای لایحه، به بودجه بندی سال ۱۴۰۲ است تا از زیر بار اجرای آن یک بار دیگر شانه خالی کنند. قبلا نیز مجلس اسلامی بودجه ۳۲ هزار میلیاردی لازم برای اجرای این طرح را در لایحه بودجه ریاضتی سال آتی به ۱۲۵۰۰ میلیارد تومان کاهش داده بود که با اعتراضات وسیع و سراسری معلمان روبرو شد.



شهرلا دانشفر

بنا بر خبر سایت حکومتی ایلنا شورای نگهبان حتی طرح ناقص رتبه بندی مشاغل معلمان را رد کرد و با طرح اشکالاتی چون نامشخص بودن محل تامین بودجه، ایجاد تبعیض در میان مردم و اختیار دادن به دولت جهت احاله تامین بودجه آن به سالهای آینده آنرا به مجلس اسلامی برگرداند. همانگونه کارگران و معلمان و بازنشستگان مدام



اتریش - وین - ۲۱ ژانویه ۲۰۲۲ - حضور مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام در همایش اعتراضی در حمایت از زندانیان سیاسی در ایران. این حرکت اعتراضی همزمان با انجام مذاکرات دروین بر سر احیای برجام میان دولتهای غربی و جمهوری اسلامی صورت می گیرد و بر خواست فوری وبدون و قید شرط کلیه زندانیان سیاسی تاکید دارد.

از مدیای اجتماعی حزب

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpiran اینستگرام: www.instagram.com/wpi91 تلگرام: [telegram.me/wpi_hkiki](https://t.me/wpi_hkiki) شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

حمله به مهمانی های مختلط برای حفظ نظام و اسلام

- که حتی جرم محسوب شده و در صورت ارتکاب مورد خشونت قانونی قرار میگیرد- به کابوس جمهوری اسلامی تبدیل شده‌اند.

تنها راه رهایی جامعه و زنان و دستیابی به یک جامعه آزاد و سکولار، سرنگونی جمهوری اسلامی به دست مردم ایران از طریق اعتراضات مستمر و اعتصابات سراسری و یک انقلاب در کف خیابانها می‌باشد.

۲۷ دی ۱۴۰۰

پرونده‌سازی، سرکوب و کشتار معترضان و خشونت سیستماتیک علیه زنان و تفکیک جنسیتی، اساس و سرلوحه این دیکتاتوری اسلامیست.

در مقابل این قوانین متحجر و انسان ستیز و ارتجاعی و تهدیدات مداوم اوباشان حکومتی، که حق انتخاب و حتی اجازه نفس کشیدن را از افراد جامعه گرفته است، جامعه با سیل عظیم جوانان و زنان خود را برای سرنگونی جمهوری اسلامی مصمم تر کرده است و با زیر پا گذاشتن ارزشهای اسلامی و حکومتی

جامعه هستند، در غلاف امر به معروف و نهی از منکر، پوزه‌ی خود را در آزادی‌های افراد جامعه کرده است و نه تنها امنیت جامعه ایران را مختل کرده است، بلکه توسط اوباشان خود به طور مداوم به انواع مختلف از جمله؛ برهم زدن مهمانی‌ها، تعیین تکلیف برای نوع پوشش زنان، ممنوع کردن صدای زنان و ممنوعیت رقصیدن و حتی تعیین خورد و خوراک و نوشیدنی و جرم انگاری تک تک اینها، مورد تهدید قرار می‌دهد.

در واقع، تعرض به زندگی خصوصی افراد و همچنین

فاشیست اسلامی، همواره تلاش کرده با صرف هزینه‌های گزاف، با دروغ، نحوه زندگی بنیانگذاران جنایتکار اسلام، این دین سرتاسر جنایت را در ۱۴۰۰ سال پیش تبلیغ کند و با زندگی مدرن و انسانی سر عناد و مخالفت بگذارد و اساساً با شادی‌های مردم مشکل دارد و در مقابل شادی جوانان با غم و ناامیدی و اشاعه فرهنگ دینی، در پی ترویج فرهنگ ارتجاعی عزا و عاشورایی می‌باشد.

این دیکتاتوری اسلامی با اوباشان تحت فرمانش که خود مظهر ناامنی، و منفور

دادستان محمودآباد از دستگیری ۳۰ نفر در یک مهمانی در شهرک امیرسالار خبر داد و گفت: «این افراد در حال برگزاری جشن مختلط و سرو مشروبات الکلی در وضعیتی بسیار نامناسب بودند که به صورت عملیاتی ویژه دستگیر شدند و ویلای مورد نظر نیز پلمب شد.»

جمهوری اسلامی با قوانین اسلامی متحجر و عقب‌افتاده در خصوصی‌ترین امور زندگی افراد جامعه دخالت می‌کند و حق داشتن یک زندگی انسانی آزاد را از افراد جامعه ستانده است. این حکومت

جنایتکاران جایی برای فرار ندارند

محاکمه یک پزشک سوری به اتهام جنایت علیه بشریت در فرانکفورت



صورت غیبت قضات اصلی به جای آنها کار را ادامه دهند.

قبل از محاکمه این جنایتکار، انور رسلان سرهنگ ارشد پلیس مخفی رژیم اسد به اتهام دست داشتن در شکنجه سیستماتیک و وحشیانه بیش از ۴ هزار زندانی بین آوریل ۲۰۱۱ تا سپتامبر ۲۰۱۲ که به کشته شدن دست‌کم ۵۸ نفر انجامیده، در برلین محاکمه و به حبس ابد محکوم شد. ایادالغریب، متهم ردیف دوم این پرونده نیز به ۴ سال و نیم حبس محکوم شد.

این محاکمات و محاکمه اسدالله اسدی دیپلمات جمهوری اسلامی و حمید نوری از جنایتکاران جمهوری اسلامی که دادگاه او در استکهلم در جریان است، تا همینجا ترس و وحشت زیادی در دل جنایتکاران انداخته است. میدانند که حکومت هایشان سرنگونی میشود و جایی برای فرار ندارند.

پزشک سوری که متهم به شکنجه مخالفان رژیم اسد است، از روز ۱۹ ژانویه در دادگاهی در شهر فرانکفورت محاکمه می‌شود. دادستان فدرال آلمان او را به شکنجه زندانیان در بیمارستان ارتش و زندان سازمان اطلاعات رژیم اسد در شهر حمص سوریه در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ متهم کرده و می‌گوید "او به این زندانیان آسیب‌های جسمی و روحی شدید وارد کرده است". این همکار دولت اسد در ژوئن ۲۰۲۰ دستگیر شد و از آن زمان تا کنون در بازداشت به سر می‌برد.

تاکنون ۱۴ جلسه برای رسیدگی به پرونده این جنایتکار که تحت عنوان پزشک به اذیت و آزار و به قتل رساندن زندانیان سیاسی مشغول بود، در نظر گرفته شده است. رئیس دادگاه گفته است که به دلیل "فرایند فوق‌العاده پیچیده" این پرونده، هشت قاضی از دادگاه عالی منطقه‌ای برای آن در نظر گرفته شده است؛ پنج قاضی از سنای امنیت دولتی و سه قاضی علی‌البدل که در

ادامه از مدیای اجتماعی حزب از صفحه ۱۲

برقع سوزان در افغانستان

در روزهای اخیر ویس از کمپینی که #طالبان برای #حجاب اجباری به راه انداخته، گروهی از زنان که خود را اعضای "جنبش زنان مقتدر افغانستان" می نامند "برقع" را در بغلان افغانستان آتش زدند. آنها با نشر تصویر آتش زدن برقع در شبکه های اجتماعی اعلام کرده اند، "با این حرکت نشان می دهیم که به حجاب تحمیل شده از سوی طالبان اعتراض داریم."

گفته می شود پیشتر نیز زنان دیگری که معترض به حجاب اجباری بودند، برقع را در افغانستان آتش زده بودند. کارزار آتش زدن برقع و حجاب، کارزاریست که از طریق آن زنان پیشرو، اعتراض خود را به حجاب اجباری و همه محدودیت هایی که توسط گروه تروریستی طالبان - که می رود به قانون تبدیل شود - را اعلام می کنند.

نابود باد حکومت اسلامی

زنده باد انقلاب زنانه در ایران و افغانستان

انقلاب زنانه
۲۶ دی ۱۴۰۰

فشار وزارت اطلاعات برای بازداشت فرنگیس مظلوم مادر سهیل عربی



درمان نیز از او گرفته شده است. به گفته سهیل عربی، گناه فرنگیس مظلوم دادخواهی از فرزند دادخواهی است.

اگر تا آخر هفته خودش را تحویل زندان ندهد، وثیقه (سند خانه) را به اجرا می گذارد.

فرنگیس مظلوم که از زانو درد شدید رنج می برد هفته بعد قرار عمل جراحی دارد و حتی فرصت

فشار وزارت اطلاعات برای بازداشت فرنگیس مظلوم مادر سهیل عربی

بر اساس اطلاع سهیل عربی، وزارت اطلاعات به وثیقه گذار فرنگیس مظلوم فشار آورده که



بیمه های درمانی مشکلاتی برای آنها به وجود آورده به طوریکه خانواده های این کارگران نمی توانند از خدمات درمانی استفاده کنند و مجبورند هزینه های درمان خود را آزاد پرداخت کنند.

طرح طبقه بندی مشاغل و مشکلات بیمه خود اعتراض کرده و دست از کار کشیدند.

کیفیت اسفبار بیمه های تکمیلی و عدم واریز حق بیمه سازمان تامین اجتماعی و اخلاف در

سه شنبه ۲۸ دیماه ۱۴۰۰ - تجمع اعتراضی نیروهای شرکتی مخابرات استان گیلان

نیروهای شرکتی مخابرات استان گیلان نسبت به عدم اصلاح قراردادها، عدم اجرای صحیح



ته دل نخندیدیم چون از بابا بی خبریم.

اما ما محکومیم به زندگی کردن، به شاد بودن ...

ابراهیم بابائی پدر شیمای بابائی از فعالین سیاسی و زندانی سابق ۲۸ روز است که ناپدید شده و شیمای بابائی در همین راستا با انتشار پست در صفحه شخصی خود نوشت:

"امروز ۲۸ دی روز تولد توئه.

از آخرین عکس مشترک و آخرین باری که دیدمت چند سالی میگذره.

اما این لبخند دیگه رو لبهامون نیست!

۲۸ روزه که نگرانیم ۲۸ روزه که زندگی نکردیم ۲۸ روزه که از

چون این بزرگترین انتقامیه که میتونیم از جمهوری اسلامی، بزرگترین دشمن شادی و زندگی بگیریم. بهت قول میدم روزی که خیلی دور نیست دوباره میخندیم و لحظه های باهم بودنمون رو ثبت می کنیم.

تولدت مبارک ما باشه خواهر مهربون و زیبای من. گل شقایقم. #ابراهیم_بابائی #پدرم_کجاست



اطلاعیه های حزب

یکشنبه ۲۶ دی: تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی در ۷ شهر

امروز یکشنبه ۲۶ دیماه بازنشستگان تامین اجتماعی در ادامه مبارزاتشان و برای پیگیری خواسته های خود در شهرهای تهران، قزوین، رشت، خرم آباد، اهواز، تبریز و کرمانشاه تجمع کردند. این تجمعات در تهران مقابل مجلس اسلامی و در شهرستانها مقابل ادارات تامین اجتماعی برگزار شد. در تهران جمعیت بزرگی شرکت داشتند و حضور زنان چشمگیر بود. در کرمانشاه بازنشستگان با پهن کردن سفره خالی و با شعارهای "بازنشسته بیا خبز برای

رفیع تبعیض"، "سفره ما خالیه، سفره شما عالیه" صدای اعتراض خود را بلند کردند. در این تجمعات بازنشستگان همچنین طی سخنرانی هایشان خواسته های اعتراضی خود را بیان کردند. از دیگر شعارهای اعتراضی بازنشستگان در این تجمعات عبارتند از: "بازنشسته می میرد، ذلت نمی پذیرد"، "شاغل و بازنشسته اتحاد"، "عده وعید کافیه؛ سفره ما خالیه"، "فقط کف خیابون، به دست میاد حقمون"، "خواسته ما همینه همسان سازی پهنه"،

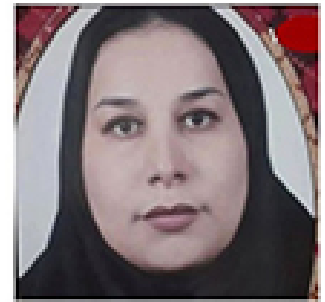
"بازنشسته دادبزن حق تو فریادبزن"، "معیشت. منزلت. درمان رایگان حق مسلم ماست"،

یک موضوع اعتراض بازنشستگان لایحه بودجه جمهوری اسلامی و تعرضات معیشتی به زندگی کل جامعه است. بنابر به خبرها و گفته های خود حکومتیان هم اکنون دولت به این صندوق بیش از ۴۰۰ هزار میلیارد تومان بدهکار است و این صندوق عملاً در ورشکستگی کامل است و پولهای آنرا بالا کشیده اند. حتی گفته

میشود این صندوق حتی در پرداخت حقوق بازنشستگان نیز با مشکل روبروست. یک اعتراض بازنشستگان به این دزدیها و خالی شدن صندوق بازنشستگی است و خواست آنها برگرداندن پولهای به سرقت رفته به صندوق است. از جمله هم اکنون اقلامی از داروها از همان بیمه حداقلی کارگران حذف شده اند و این خود هزینه های درمانی بازنشستگان را افزایش میدهد. علاوه حذف ارز دولتی ۴۲۰۰ تومان خود موجب شوک تورمی بزرگی خواهد شد و اولین قربانی

آن بازنشستگان هستند. اعتراض بازنشستگان، کارگران، معلمان به کل سیستم چپاول و دزدیها و زندگی زیر خط فقر و حاکمیت دزدان و اختلاسگران است و این اعتراضی است که ابعاد اجتماعی دارد. باید وسیعاً از این اعتراضات حمایت و پشتیبانی کرد.

حزب کمونیست کارگری ایران
۲۶ دی ۱۴۰۰، ۱۶ ژانویه ۲۰۲۲



زهرا مغینمی و نادر سعدون بریعی

مسئول مرگ دلخراش پناهجویان،

دولت‌های تبهکار جمهوری اسلامی و اردوغان است!

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران همصدا با میلیونها انسان فریاد عدالت جو، خواهان تضمین امنیت جانی و زندگی پناهجویان، است. ما تمام نهادها و سازمانهای مدافع حقوق پناهندگی و شخصیت‌های مترقی را به اعتراض به این جنایت آشکار فرامی‌خوانیم.

کمیته خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ ژانویه ۲۰۲۲

میلیونها پناهجویی یا در گریز به ابراهای فشار در معامله دولت‌ها تبدیل شده‌اند.

دولت ترکیه سالانه میلیونها دلار باج از دولت اروپایی و نهادهای بین‌المللی دریافت می‌کند تا مانع ادامه سفر فراریان به اروپا گردد، حتی بدون هیچ دلیلی پناهندگان پذیرفته شده از طرف سازمان ملل را مجدداً دادگاهی می‌کند و رد خاک به آنها می‌دهد و به "دایره اجرای احکام" یعنی سرمای کوهها و امواج خوفناک دریاها می‌سپارد.

دریاها می‌سپارند! بی‌هوده نیست که دریای مدیترانه به دریای آدمخوار معروف شده است و کوهها و دره‌های یخ گرفته آخرین منزل فرار از فاجعه!

کوچ به مناطق امن‌تر و تضمین زندگی بهتر حق طبیعی تمام موجودات زنده در جهان است. اما وقتی نوبت به انسان اسیر در مرزهای مقدس سرمایه‌داری می‌رسد دیگر از حق طبیعی خبری نیست. پاسخ گلوله و مرگ است.

نمی‌دهند. آنها از روی ناچاری و در تلاش برای رد شدن از مرز، در سرمای کشنده کوهستان، گرفتار کولاک برف می‌شوند و جان می‌بازند.

این تراژدی دردناک و شوم میلیونها انسانی است که برای نجات جان و حفظ امنیت خود در سکوتی جانکاه، قربانی سیاست‌های ضد پناهندگی می‌شوند.

دولت‌های ارتجاعی پیشاپیش حکم مرگ را صادر می‌کنند و اجرای حکم را به توفان برف و گرسنگی و یا امواج بیرحم

کلیپ تهیه شده ساکنین فداکار روستای «بله‌جو» از لحظه پیدا شدن پیکرهای منجمد زهرا مغینمی و نادر سعدون بریعی در نقطه صفر مرزی ایران و ترکیه پرده از تبهکاری آشکار و عربانی برمی‌دارد که روزمره در مرزها تکرار می‌شود.

"زهرا مغینمی" ویزای ورود به کشور هلند داشت و برادر همسرش "نادر سعدون بریعی" همراه او بود مرزبانان دولت اسلامی اردوغان علیرغم مدارک معتبر، به بهانه‌های واهی به آنها اجازه ورود به خاک ترکیه

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۴

دنیا باید به حمایت از زندانیان سیاسی برخیزد!



با درگذشت بکتاش آبتین، عضو کانون نویسندگان، که به دلیل اهمال آگاهانه جمهوری اسلامی عملاً به قتل رسید بار دیگر توجه افکار عمومی دنیا به زندانیان سیاسی در ایران و خطراتی که متوجه جان آنها است جلب شده است.

در اعتراض به قتل بکتاش آبتین تعدادی از زندانیان سیاسی در زندان اوین دست به اعتراض زده اند. ما قاطعانه از آنها حمایت میکنیم و ضمن تاکید بر آزادی کلیه زندانیان سیاسی، معلم زندانی، کارگر و دانشجوی زندانی، زنان زندانی و زندانیانی که بویژه خطر ابتلا به کرونا آنها را تهدید میکند، همه مردم در ایران و در سراسر جهان را به حمایت از زندانیان سیاسی در ایران فرا میخوانیم.

اعضای کانون نویسندگان باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند و همه پرونده های آنها مختومه اعلام شود. آزادی بیان حق همه مردم است.

شهروندان غیر ایرانی و یا دو تابعیتی که توسط جمهوری اسلامی گروگان گرفته شده اند، از جمله نازنین زاغری باید بی قید و شرط آزاد شوند. هر نوع گروگان گیری موقوف!



زندانیانی که به کرونا مبتلا هستند یا در معرض ابتلا به این بیماری قرار دارند باید فوراً و بی قید و شرط آزاد شوند.

خواست ها تحت فشار بگذارند.

تشکیلات خارج کشور حزب کمونیست کارگری ایران ۲۰ ژانویه ۲۰۲۲

از اتحادیه های کارگری و همه نهادها و شخصیت های انسان دوست در سراسر جهان می خواهیم که جمهوری اسلامی را برای تحقق این

جمهوری اسلامی قابل مذاکره نیست. باید از کلیه مجامع بین المللی به دلیل بیش از چهار دهه جنایت علیه بشریت اخراج شود.

از کلیه مجامع و نهادهای بین المللی، از انجمن های قلم و نهادهای حقوق بشری، از احزاب و سازمان های سیاسی،

دعوت از تیم کشتی جمهوری اسلامی برای مسابقات دوستانه را محکوم می کنیم!

جمهوری اسلامی باید در سطح جهان بایکوت شود!

بین الملل در آخرین گزارش از آن به عنوان "ویرانگر انسانیت" یاد کرده است.

جمهوری اسلامی باید در سطح بین المللی به عنوان رژیم سرکوبگر، ناقض حقوق بشر، جنایتکار و رژیم که

ادامه در صفحه ۱۶

قضایی حکم اعدام گرفته است.

اینها فقط چند مورد از جنایات جمهوری اسلامی علیه ورزشکاران است. حکومتی که مردم جهان با کشتار وحشیانه ۱۷۷ مسافر هوایمای اوکراینی توسط موشک با توحش آن آشنا شده اند. حکومتی که عفو

خالد پیرزاد مربی بین المللی بدنسازی، توسط سیستم قضایی جمهوری اسلامی که فاقد ابتدایی ترین موازین عادلانه قضایی است به ۷ سال زندان محکوم شده است.

محمدجواد وفایی ۲۶ ساله، قهرمان بوکس واز معترضین آبان ۹۸ توسط همین دستگاه

عدالتی حکومت اسلامی از ایران فرار کرده اند و تعدادی از ورزشکاران معترض دستگیر، زندانی، شکنجه و حتی اعدام شده اند.

نوید افکاری، قهرمان کشتی محبوب و معترض به بی عدالتی و تبعیض و وضعیت فلاکت بار معیشتی مردم، در ۲۲ شهریور ۹۹ اعدام شد.

بنابر دعوت فدراسیون کشتی آمریکا روز ۲۳ بهمن ماه مسابقه ای دوستانه بین دو تیم ایران و آمریکا در آرلینگتون دالاس در ایالت تگزاس برگزار خواهد شد.

دعوت از تیم کشتی جمهوری اسلامی در حالی انجام گرفته که در سالهای گذشته تعداد زیادی ورزشکار به خاطر بی

ادامه اطلاعاتی های حزب از صفحه ۱۵

انسانهای زیادی از جمله ورزشکاران را به چوبه های دار سپرده است. محکوم شود. دادگاههای بین المللی محاکمه جمهوری اسلامی باید در سطح جهان از لحاظ سیاسی، فرهنگی، هنری و ورزشی بایکوت شود و سرانش در

شوند. ما از تمام سازمانها، نهادهای ورزشی و ورزشکاران شریف جهان میخواهیم که رفتار ضد انسانی حکومت اسلامی با ورزشکاران ایران را شدیداً محکوم کنند و مانع حضور این حکومت در مسابقات جهانی شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران - واحد آمریکای شمالی



سمینار آنلاین حمید تقوائی

درباره ناسیونالیسم و کمونیسم در کردستان

بخش در مورد اختلافات سیاسی در حزب کمونیست ایران

شنبه ۲۲ ژانویه ۲۰۲۲، ۲ بهمن ۱۴۰۰

ساعت ۴ عصر بوقت اروپای مرکزی، ۳۰:۶ بوقت ایران

برنامه همزمان از اینستاگرام، تویتر، یوتیوب و فیسبوک پخش میشود

ورود برای عموم آزاد است

فیسبوک حزب: www.facebook.com/wpIran

اینستاگرام: www.instagram.com/wpi91

تلگرام: telegram.me/wpi_hkki

تویتر: twitter.com/workercommunist

شماره اپ و تلفن تماس: ۰۰۴۶۷۰۰۴۴۷۴۲۵

ممکهای مالی رسیده به کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری

علا فرهادپور	۱۲۰ دلار	شجاع دالاس	۱۰۰ دلار
ستار نوری زاد	۱۲۰ دلار	عبدل گلپریان	۱۲۰ یورو
مجید آذری	۱۲۰ دلار	عمر معروفی	۱۲۰ یورو
سهراب وفا	۱۲۰ دلار	حیدر گویلی	۱۲۰ یورو
صادق احمدی	۱۰۰ دلار	جینو رستمی	۵۰ یورو
هاشم قربانی	۱۰۰ دلار	سلیمان سیگارچی	۱۲۰ دلار کانادا
علی قنبری	۱۰۰ دلار	مینا بهروزی	۱۲۰ دلار کانادا
برادران اهواز	۱۰۰ دلار	با تشکر و قدردانی از این عزیزان	
کیو مرث کرمانشاه	۱۰۰ دلار	ستار نوری زاد	

تلخیصی از چند اطلاعیه خبری حزب

در ۳۰ دی ۹۵ روی داد و در جریان آن علاوه بر شمار زیادی از ساکنان آن، تعداد زیادی مأمور آتش‌نشانی که در حال مهار آتش‌سوزی، در بیرون و داخل ساختمان بودند جانباختند و عده‌ای از آنها نیز زیر آوار ناشی از فرو ریختن ساختمان مدفون شدند. پلاسکو بخاطر استاندارد پایین ایمنی این مجتمع بزرگ تجاری فروریخت و آتش نشانان بسیاری بخاطر شرایط نا امن محیط کارشان جان خود را از دست دادند.

بدنبال این فاجعه اعتراضات آتش نشانان شدت گرفت و همبستگی مردمی با آنها افزایش یافت. از جمله خواسته‌های برحق هزاران کارگر آتش نشان که سالهاست

همسان سازی سطح دستمزد بین تمام طرح‌های هفت طرح (در هفت تپه که قدیمی ترین مرکز نیشکر است کمتر از باقی طرح‌ها مزد پرداخت میشود).

تجمع بزرگ آتش نشانان در سالگرد فاجعه پلاسکو، فراخوان بازنشستگان به تجمع و چند خبر اعتراضی دیگر

سالگرد فاجعه پلاسکو: تجمع بزرگ آتش نشانان

روز چهارشنبه ۲۹ دیماه جمع بزرگی از کارکنان و کارگران آتش نشانی تهران در سالگرد فاجعه آتش سوزی پلاسکو در مقابل شهرداری تهران تجمع کردند و یاد آتش نشانان جانباخته و دیگر جانباختگان را گرامی داشتند. فاجعه تکان دهنده آتش سوزی پلاسکو با ۱۲۰۰ واحد تجاری،

شرکت به هفت طرح و سفر هیات اعزامی دولت به هفت تپه و حضور اعتراضی کارگران، لغو این طرح قطعیت یافت. کارگران نیشکر هفت تپه با اتکاء به تصمیم گیری جمعی و شورایی خود و مبارزات متحدانه شان این دستاوردها را کسب کرده اند. اکنون کارگران نیشکر هفت تپه پیگیر مطالبات باقی مانده خود هستند. خواسته‌های فوری کارگران نیشکر هفت تپه در حال حاضر عبارتند از:

بازگشت به کار کارگر اخراجی اسماعیل بخشی، استخدام کارگران فصلی، اجرای کامل طرح طبقه بندی و پرداخت کامل مطالبات عرفی و قانونی، برداشتن سه نوع قانون مختلف در پرداخت و قرارداد و رفع تفرقه در میان کارگران، برکنار کردن مدیران فاسد باقیمانده از باند مافیایی اسدیگی،

تبدیل شد. به گفته کارگران این شرکت ۵ سال است که با آنها قراردادهای ساعتی بدون پرداخت مزایا منعقد کرده است. این کارگران به قراردادهای برده وار کاری و نداشتن امنیت شغلی اعتراض دارند.

کارگران نیشکر هفت تپه پیگیر مطالبات اجرا نشده خود هستند. این کارگران با مبارزات درخشانی که داشتند موفق به خلع ید از اسد بیگی سردسته باند چپاولگر حاکم در این شرکت، به روز کردن پرداخت حقوقها و بازگشت به کار شماری از همکاران اخراجی و قراردادی شدن وضع استخدامی شماری از کارگران فصلی شدند. یک موفقیت دیگر آنها کنار رفتن قطعی واگذاری این شرکت به صندوق ورشکسته شستا است که بعد از گذشت سه ماه واگذاری آزمایشی

تجمع بزرگ کارگران کشت و صنعت میان آب

و کارگران نیشکر هفت تپه پیگیر مطالباتشان هستند

- روز چهارشنبه ۲۹ دی کارگران کشت و صنعت میان آب در شوش در اعتراض به وضعیت قراردادهای کاری و سطح نازل دستمزدهایشان دست به اعتصاب زدند و مقابل اداره کار تجمع کردند. در این حرکت اعتراضی یکی از مسئولین اداره کار حضور یافت و کارگران با شعار دروغگو، دروغگو فریاد اعتراضشان را به خلف وعده های داده شده ابراز کردند. به دنبال این تجمع کارگران در سطح شهر راهپیمایی کردند و شعار "کارگر می میرد، ذلت نمی پذیرد" را در فضای شهر طنین انداز کردند. بدین ترتیب بار دیگر شهر شوش به صحنه اعتراضات کارگران

نشریه روزانه زورنال

www.journalfarsi.com

ادامه اطلاعیه های حزب از صفحه ۱۷

پیگیری هستند و برای آن بارها اعتراض کرده اند به جلو آمد. این خواستها از جمله عبارتند از: تامین تجهیزات ایمنی با استاندارد قابل قبول و امن در ایستگاههای آتش نشانی، داشتن امنیت شغلی و بهبود شرایط زندگی آتش نشانان و افزایش فوری سطح حقوقهای آنان. در جریان این اعتراضات وعده های بسیاری داده شد. اما عملی نشده اند. روز ۲۹ دیماه در سالگرد فاجعه پلاسکو آتش نشانان شهرداری در اعتراض به خلف وعده ها و وضع اسفناک کاری و معیشتی خود تجمع کردند. در این تجمع کارگران با شعار "شهردار بیا بیرون"، "مسئول بی لیاقت نمخواهیم، نمی بی لیاقت خواهیم"، "مسئول بی لیاقت، استعفا، استعفا"، "مشکل ما حل نشه، تجمع تکرار میشه" صدای اعتراض خود را بلند کرد. بنابر خبرها در حال حاضر بیشتر آتش نشانان بدلیل سطح پایین دستمزدها و هزینه های گزاف مسکن در حاشیه تهران اجاره نشین هستند و برای امرار معاش دو یا سه شغله شده اند.

اجرای همسان سازی حقوقها و افزایش سطح آن به بالای خط فقر اعلام شده ۱۲ میلیونی، درمان رایگان برای همه و پایان دادن به اختلاسها و دزدی ها مطالبات سراسری همه بخش های بازنشسته است که بارها در تجمعات شان آنها را فریاد زده اند. بازنشستگان وزارت بهداشت در پایان فراخوان خود با نوشتن "همه با هم برای دادخواهی و مطالبه حقوق خود می آییم" بر برگزاری یک تجمع بزرگ تاکید کردند.

تجمع اعتراضی پرسنل شرکت آب و فاضلاب استان تهران

روز چهارشنبه ۲۹ دی کارگران شرکت آب و فاضلاب استان تهران برای پیگیری مطالبات خود مقابل ساختمان این شرکت تجمع کردند.

سطح نازل حقوقها و تعویق پرداخت آن و قراردادهای موقت کاری از جمله مشکلات این کارگران است.

اعتصاب و تجمع کارگران شرکتی مخابرات گیلان

روز سه شنبه ۲۹ دی کارگران شرکتی مخابرات زیر مجموعه شستگام استان گیلان در اعتراض به قراردادهای موقت کاری، سطح نازل حقوقها و عدم اجرای کامل طرح طبقه بندی مشاغل و مشکلات بیمه ای خود تجمع کردند. به گفته این کارگران مزد آنها حتی کمتر از همان حداقل مزد چند بار زیر خط فقر مصوب شورای عالی کار است و از همان بیمه سطح نازل تامین اجتماعی و بیمه تکمیلی محرومند و این درحالیست که طی ۹ ماه گذشته مبلغی بابت بیمه از فیش های حقوقی شان کسر شده است. این تجمعات در کل این استان و به صورت سراسری برگزار شد.

تجمع اعتراضی کارکنان سازمان حفاظت محیط زیست

روز ۲۸ دی کارکنان سازمان حفاظت محیط زیست در اعتراض به وضع بد معیشتی و پایین بودن سطح حقوق هایشان در برابر مجلس اسلامی تجمع کردند.

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری خرمشهر

روز ۲۸ دی تعدادی از کارگران پیمانی و قراردادی شهرداری خرمشهر بار دیگر در اعتراض به عدم دریافت حقوق چهار ماه خود دست از کار کشیدند و مقابل فرمانداری و شورای اسلامی شهر تجمع کردند. زیر فشار این اعتراضات مجید حیدری عضو شورای اسلامی ناگزیر به شرکت در جمع کارگران شده و پرداخت مطالبات این کارگران در روزهای آینده را وعده داد. اما کارگران به این وعده ها باور ندارند و پیگیری مطالبات خود هستند.

اعتصاب کارگران پروژه راهسازی خاش به زاهدان

کارگران پیمانی شاغل در پروژه ساخت جاده دو بانده خاش به زاهدان از روز ۲۳ دی در اعتراض به عدم پرداخت مطالبات شان در اعتصاب به سر میبرند. این کارگران سه تا ۴ ماه مطالبات مزدی پرداخت نشده، دارند. بنا بر خبر کارگران این پروژه عمرانی از طریق یک شرکت پیمانکاری در پروژه راهسازی جاده خاش به زاهدان مشغول کار هستند. این پروژه عمرانی با سرمایه دولت در مسیر ترانزیتی بندر چابهار به میلک در حال ساخت است. دستمزدهای پرداخت نشده یک موضوع اعتراض سراسری کارگران است و بخش بزرگی از چپاولگری های سرمایه داری مافیایی حاکم است.

حزب کمونیست کارگری ایران

۲۹ دی ۱۴۰۰، ۱۹ ژانویه ۲۰۲۲

فراخوان بازنشستگان وزارت بهداشت و درمان به تجمع سراسری

بازنشستگان وزارت بهداشت و درمان در اعتراض به وضع



تصویری از کارگران اعتصابی شرکت ایران افق شاغل در میدان نفتی بادآوران شهر هویزه - چهارشنبه ۲۹ دیماه ۱۴۰۰